

تولابو، سکه طلا بو

سلسله انشارات
مؤسسه وعظ و خطابه

آئین نگارش تاریخ

تألیف

رشید یاسمی

دکتر در ادبیات و استاد دانشگاه تهران

مهر ماه ۳۱۶

شرکت سهامی چاپ

در سال هزار و سیصد و سیزده که قانون تأسیس دانشگاه تهران از مجلس شورای ملی میگذشت وزارت معارف در نظر گرفتند که علماء و دانشمندان مجرب را که در مدارس عالیہ شغل تدریس داشته و سالیان دراز ذخیرہٴ علم و تجربہ اندوخته بودند بنشر فضائل وادارند و از وجود آنان نتیجہٴ که ثابت و پایدار تر باشد حاصل کنند . بدینجهت در تبصرہٴ مادہٴ ۱۶ از آن قانون پیش بینی کردند که هر یک از استادان مدارس عالیہ که تصدیق دکتری در دست ندارند باید رسالہٴ که تازگی داشته باشد در فن خود تألیف کنند که مورد قبول شورای دانشگاه واقع شود و باخذ درجہٴ استادی در همان رشته نائل شوند و این تصدیق بمنزلہٴ درجہٴ دکتری آنان باشد و در نتیجہٴ این تبصرہٴ قریب سی رسالہ در فنون گوناگون از ادب و تاریخ و فلسفہ و ریاضی و حقوق و فقه تألیف گردید و بشورای دانشگاه تقدیم شد و زبان فارسی که باید بوسیلهٴ این قبیل تألیفات تکمیل شود سرمایہٴ نو یافت .

کسانیکه با علم و معرفت سروکار دارند و از قیمت آن آگاهند میدانند که تألیف اینگونه رسائل آنهم از طرف استادانیکه هر یک در رشتهٴ خود متخصص یا منحصراً بوده و سالها در تحقیق اصول علم و ادب رنج برده و تجربہ حاصل کرده اند بزرگترین خدمت بزبان فارسی و علوم عالیہ میباشد بخصوص که در بسیاری از این رشته ها بزبان فارسی کتاب کمتر تألیف شده و یا بسبب آنکه آن رشته تازه در میان ما معمول شده است دارای کتابیکه نمونه و سرمشق تحقیق در آن فن باشد نبوده و بدین وسیله رسالہ های مفید که حاوی موارث فکری پیشینیان یا نمونه و سرمشق تحقیق برای دانشجویان تواند بود بزبان فارسی تقدیم گردید فایدهٴ دیگر این تبصرہ آن بود که این عده از دانشمندان که حتماً میبایست دانشگاه تهران از وجود آنان استفاده کند و از رحمت آنان نتیجہ بگیرد باخذ درجہٴ رسمی نائل آمده بانشاط خاطر دل درنشر معارف بسته و علاوه بر آنکه تألیفهای نادر و گرانبها بوجود آوردند باتمام اطمینان و علاقه بشکرانهٴ این توجه

الف

وزارت معارف مائده فضل و دانش در دانشگاه تهران گسترده کردند و جوانان این کشور از آن فوائد و بهره ها بردند و نیز خواهند برد .
نظر باینکه انتشار کتب و رسائل علمی از اهم وظایف معارفیست و مؤسسه و عظم و خطابه بر حسب امر وزارت معارف نسبت بدین منظور اهتمام بسیار نموده و دروس استادان مؤسسه را در سال تحصیلی ۱۵-۱۳۱۶ بطبع رسانیده و مجای در میان هوا خواهان معارف نشر داده است و نشر این رسائل که از طرف استادان بشورای دانشگاه تقدیم شده بود فوائد بسیار در بردارد از جمله کتبی که برای تقدیم بشورای دانشگاه تهیه شده آئین نگارش تاریخ است تألیف دانشمند محترم آقای رشید یاسمی استاد تاریخ دانشسرای عالی ، این کتاب یکی از آثار نفیس مؤلف و یکی از مهمترین موضوعاتی است که بدین وسیله بحث در آن آغاز شده است بدیهی است که تاریخ آئینه زندگانی گذشته و رهنمی آینده است و بهمین جهت این فن شریف برای توسعه فکر و نگهداری انسان از خبط و خطا در زندگانی اجتماعی مهمترین عامل و بمنزله شمعی فروزانست که در چراغدان فکر افروخته باشند عقل عملی در پرتو همین شمع تابناک راه سرفرازی و ارجمندی را میتواند یافت و از این روی کسانی که فن تاریخ را پایه زندگانی بشر قرار می دهند راه مبالغه نه پیموده اند چنانکه فن تاریخ را پایه زندگانی اجتماعی میتوان شمرد بی شک بنیاد تحقیقات ادبی بر شالده آن استوار است و شناختن علل و اسباب ترقی ملل و تمدن بشری در سایه تحقیقات تاریخی بدست میآید ولی این دو نتیجه و فائده وقتی میسر میگردد که تاریخ بر روی اصول محکم تقریر یافته و مورخ بر راستی و درستی از آئین نگارش تاریخ سرمایه کافی بدست آورده باشد و در نوشتن تاریخ آن دقائق و اصول را پیشنهاد خاطر کند تا مغلوب تمایلات و فریفته اوهام خود نگردد و از خود مردان کار و دانشمندان عالیه مقام نسازد و حوادث را بر وفق هوای خود نمایش ندهد چه در این صورت تاریخ بجای آنکه بشر را بزنگانی گذشته

رهنمونی کنند بجنب و خطا دچار خواهد ساخت و با مردان و وقایعی که در پهنه روزگار موجود نشده و صورت وقوع نیافته است برابر خواهد کرد
برای اثبات این مدعا گمان نمی رود که اقامه دلیل یا ذکر نمونه لازم باشد
زیرا بسیاری از کتب تواریخ که پیشینیان نوشته اند بدینگونه خط و خطا آکنده است چنانکه به بسیاری از آنها اطمینان نتوان کرد و استناد نتوان جست
امروز که مطالعه تاریخ با دقتی که مناسب این عصر است بعمل می آید
تجنب و دوری از روش دیرین و طرز کهن ضرورست و دانشجویان و خوانندگان
کتب تواریخ بدانستن روش تدوین و تحقیق تاریخ نیازمندند کتاب آئین نگارش تاریخ
این طرز مطلوب و روش مرغوب راهی که روشنتر میکند و مشعل هدایت
در برابر چشم مؤلفان می فروزند و از همین نکته توان دانست که مؤلف این
کتاب نفیس توفیق چگونه سعادت یافته است و تا چه حد نیکبخت بوده است که
بیان اصول فنی بدان اهمیت کامیاب گردیده است.

کتاب مزبور علاوه بر آنکه مضمون نتیجه بدین بزرگبست اولین تالیفی
ست که در این رشته بزبان فارسی تدوین میشود و چنین نامه گرانها که به
حسن تلیف و تدوین ممتاز است در میانه ما وجود نداشته است و افتخار تقدیم
آن نصیب آقای رشید یاسمی شده است.

مؤلف محترم به موجب تبصره ماده ۱۶ این رساله را تألیف کرده و بشورای
دانشگاه تقدیم نموده اند و هیئت ممیزه که از طرف شوری تعیین شده بودند
پس از بررسی این رساله را پذیرفته و در خور استفاده شناخته و شورای
دانشگاه مؤلف محترم را باعطاء درجه استادی قرین افتخار کرده اند طبع این
رساله نیز به موجب رأی شورای دانشگاه صورت گرفته است.

اول مهر ماه ۱۳۱۶

بدیع الزمان فروزانفر

آئین نگارش تاریخ

مقدمه

بعضی از طرفا تاریخ را «تاریک» گفته‌اند از جهت این که دسترس باخبار واقعی آن نیست و جوینده باید در ظلمات ایام بجستجوی وقایع براکنده عمری بگذراند. این مشابهت لفظی میان تاریخ و تاریک وقتی قوت میگیرد که کسی بخواهد قوانین وقواعدی برای تاریخ کشف کند و مانند سایر علوم نوامیس اصلی تاریخ را بیابد و بشناساند. این علم چون بسر نوشت فرد و جامعه انسانی مربوط است و زمان در میان اجزاء آن افتراقی پیوند ناپذیر میاندازد از دخول در تحت ضوابط خیلی قطعی امتناع دارد عام نورا است اما علم تاریخ نوری است بسیار ضعیف و لرزان که هر لحظه خاموش و باز روشن می شود و کمتر کسی باطمینان تمام پیش پائی بچراغ او تواند دید. نفس انسان که مبدأ بسیاری از وقایع تاریخی میشود گوهری است آزاد و در عین آزادی دستخوش هزاران عامل خفی و جلی که هیچیک طوق اطاعت بقانون های طبیعی یا ریاضی را بگردن نمی گیرند و اجتماعات بشری هم با اینکه بوسیله قوانین استواری اداره میشود هنوز حقیقت آن قوانین بدست نیامده است. پس اگر

ب

تاریخ تاریک است فلسفه تاریخ تاریک در تاریک است ، ظلمات بعضها فوق بعض .

لکن از آن جا که این علم وابستگی تام بحیات بشر دارد چه از حیث علاقه بگذشته و چه از جهت احتیاج بحاضر و چه از لحاظ بیم آینده از جستجوی قواعد آن ناگزیریم و باوجود آن تاریکی ها چون راه منحصر است مجبور برفتن هستیم و باید خود را بجائی برسانیم .

جائی که علم تاریخ در میان ما پیشرفته امروز که همه قسم وسایل کار دارند این حکم را داشته باشد بدیهی است در ایران تاریکی آن شدیدتر است تقریباً در این کشور هنوز تاریخ انتقادی کاملی دیده نمیشود که اخبار را از سرچشمه ها گرفته و بمحک امتحان و انتقاد زده باشد تا محقق تاریخ بتواند قواعدی از آنها بیرون بیاورد و اسلوی بدست بدهد .

این بنده باوجود قلت بضاعت در این علم و باوجود موانع عام و خاصی که ذکر شد چون سالی چند است در این رشته بتدریس و تعلیم اشتغال دارد بران شد که بقدر امکان اصول و قواعدی را که یافته اند بااستنباطات ناچیز خود فراهم آورده تألیفی پردازد شاید یکی از هزار سودمند افتد و در این تاریکی نوری اندازد .

ازطرف دیگر تاریخ ازجهت صورت بستگی کامل بفنون ادبی دارد و مثل هرچیز که ذوق و هنر در آن دخیل است تاریخ هم

ج

احتیاج بقریحه صافی و ذوق وافی و حسن ضبط و صدق بیان و فراغ از تعصب دارد و اکثر این صفات متعلق باستعداد فطری است نه کسب و تعلم . بنا بر این بیشتر مطالب این کتاب برای آنانکه خداوند ذوق و قریحه تاریخ پرداز می هستند زاید است و آنانرا که هیچ استعدادی در این شیوه نیست بیفایده و ناسودمند . اما همیشه در دستور های علمی و فنی روی سخن بجانب مردمانی است که نه داهی عصرند نه کودن محض ، در حد اعتدال و توسط ایستاده و انتظار راهنمایی و یاد آوری می برند (یکاد زیتها یضی) .

آنوقت از خواندن این یاد داشت ها و طرز عمل پیشقدمان فن رفته رفته بهنر ذاتی خود ایمنی یافته و قدم در میدان می گذارند .

اگر این نوشته ها مستعدان را ذره یاری دهد و برتوی بر قریحه جلیلی افکند رنج نویسنده باضعاف پاداش یافته است .

فصل اول

کلیات

انسان ناظر حوادثی است که بتوالی و تناوب یا با اجتماع و تقارن از برابر او میگذرند گاهی شخص او و اهل و بستگان او مورد امتحان و عرصه تطاول این حوادث واقع میشوند و زمانی دیگران را دستخوش بوس و نعم و گرفتار چهار موجه حادثات میبیند و چون نظر هبرت بگشاید و در آثار گذشتگان دقتی کند و صفحات کتب و اطلال و ویرانه هارا بنگرد خواهد دید که تا جهان بوده است وقایعی نظیر آنچه خود و معاصرینش میبینند در جریان بوده است پس از آنجا که ذاتاً کنجکاو و علت جوی است در صدد بر میآید که اسباب این سوانح را دریابد مگر برای روزگار حال و استقبال خود و عزیزان خود وقایه ترتیب دهد و از تجارب سپری بسازد و شاید موفق گردد که مسیر حوادث را قطع یا بنفع خود منحرف کند لکن افسوس که نه عمر او و نه مشاهدات اسلاف او برای استنباط قوانین جهان کافی نیست ، ناگاه واقعه تازه و بی سابقه فرا میرسد و رشته های او را چون تار عنکبوت از هم فرو میگساید

چو گوئی که کام خرد تو ختم همه هر چه بایست آموختم
یکی نغز بازی کنند روزگار که بنشاندت پیش آموزگار

با وجود این چون انسان چاره دیگر ندارد باز بتجارب خود و دیگران امیدوار شده در پی کشف عالم برمیآید و چون بجزئیات حوادث دسترس دارد آنها را یکان یکان سنجیده و ردیف میکند و حکمی کلی از آنها استخراج مینماید و حکم میدهد که این کلی شامل جمیع حوادث و حاکی از قانون عامی است که جزئیات را شامل است مثلا ببیند و میخواند که بعضی دول عالم پس از وقوع در فراخی نعمت انحطاط و انقراض پذیرفته اند پس حکم میکند که همه دول پس از تنعم یافتن زوال می پذیرند .

آیا در این حکم مصاب است؟ بشر در عصر خود بیش از یک یا چند بار این مطلب را نمیبیند و بفرض که تجارب سلف را هم بر آن بیفزاید باز مجموع مشهودات او منتهای است آیا حق دارد که حکم کلی از آن استنباط نماید .

و در آینده هم بایقین کامل انتظار نظیر آنرا داشته باشد؟ پس جای آن است که از خود پرسیم بچه حق از تفتیش احوال جزئیاتی چند حکم کلی توانیم راند؟ جواب منطقی این پرسش هرچه باشد تجربه ثابت میکند که بشر در تمام علوم طبیعی و غیره بهمین منوال رفتار کرده و نتیجه گرفته است پس ناچار اساس صحیحی باید داشته باشد .

در منطق این روش فکری را که صعود از جزئیات بجانب کلی باشد اسنقراء نام نهاده اند . اگر اسنقراء تام باشد موجب یقین

و اگر ناقص باشد مورث شك و گمان است .

منطقیون بنا بر اصول ارسطاطالیس برای این-که استقراء را بقیاس منتجی مرجوع دارند قواعدی برای تبدیل صغری و کبری واکبر و اصغر و اوسط در شکل اول ذکر کرده اند که باید تفصیل آنرا در منطق های مشروح دید ما برای توضیح مطالب تاریخی مثال سابق الذکر را بیان میکنیم .

قیاس

هر دولت متنعمی انحطاط مییابد .
ا . ب . ج . دول متنعمه هستند .
پس ا . ب . ج ، انحطاط مییابند .

استقراء

ا . ب . ج ، انحطاط می یابند .
همه دول متنعمه منحصرند در ا . ب . ج .
پس هر دولت متنعمی انحطاط مییابد .

بعبارة اخری اگر صفتی را برای تمام جزئیات يك کلی ثابت کنیم بر کلی هم صادق می آید مثلا اگر ثابت کنیم که اسمعیل و احمد و نصر و دو نوح و دو عبدالمک و دو منصور در سلسله سامانی عادل بوده اند میتوانیم حکم کنیم همه سامانیان عادل بوده اند زیرا که سامانیان بیش از این نه تن نبوده اند (این مقدمه اخیر باید در خارج محرز باشد) .